

سکولاریزم: اسلام ۲



اکبر اسد علیزاده

اشاره:

در بخش اول این مقاله به بیان معنای لغوی سکولاریزم و واژه‌های مشابه آن، معنای اصطلاحی سکولاریزم، اصول و بنیادهای اساسی تفکر سکولاریزم، ریشه‌های تاریخی سکولاریزم، و عوامل و زمینه‌های پیدایش آن در جهان غرب پرداخته شد. در بخش دوم، مطالبی چون انگیزه‌های ترویج سکولاریزم در غرب، نمودهایی از سکولاریزم در تاریخ مسلمین، ریشه‌های سکولاریزم و دوران حاکمیت و سپس افول این اندیشه در ایران، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

انگیزه‌های ترویج سکولاریسم در غرب
به طور کلی، می‌توان انگیزه‌های

ترویج سکولاریسم در غرب را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- انگیزه‌های غیرمغرضانه

پرداختن به سکولاریزم گاهی از سوی برخی دینداران دنبال می‌شد. آن‌ها می‌خواستند قداست دین را حفظ کنند و از طرفی دین مسیحیت را در تعارض با بعضی ارزش‌های پذیرفته شده در جامعه غربی می‌دیدند. تعارض در جایی فرض می‌شود که دو چیز در یک نقطه تلاقی کنند، اما اگر دو خط موازی باشند و در هیچ نقطه‌ای با هم تلاقی نکنند، تعارضی پیش نمی‌آید. آن‌ها برای آشتی دادن دین از یک طرف و علم و فلسفه و عقل از طرف دیگر، گفتند: حوزه دین محدود

نکته قابل توجه این است که سکولاریسم در دنیای غرب، دو مرحله تاریخی را طی کرد و در طی آن از شکل ضعیف به شکل شدید و افراطی تبدیل شد:

مرحله اول سکولاریسم مربوط به دوران «رفورمیسم» و نهضت اصلاح دینی است. در این دوران، جریان «پروتستانیسیم» به انگیزه اصلاح دین به وجود آمد. سکولاریسم در این شکل، نفی کننده دین نیست، بلکه دین را منحصر در امور فردی نموده، آن را از مسائل اجتماعی دور می سازد.

اما در مرحله بعد، این جریان به «رنسانس» که دوره دوری از دین است منجر شد و اندیشه سکولاریسم به شکل افراطی آن مطرح گشت. در این مرحله، این اعتقاد رواج یافت که باید از ماورای طبیعت صرف نظر کرد و در زندگی زمینی متمرکز شد و به جای خدا، انسان را مطرح نمود. اساس رنسانس بر «اومانیسم» (انسان مداری) متمرکز است. در اندیشه انسان مداری، محور همه چیز انسان است؛ از معرفت و شناخت گرفته تا ارزش ها، اخلاق،

به سلسله ای از مسائل شخصی در ارتباط انسان با خداست. همچنین درباره ارزش ها و باید و نبایدها گفتند: هر باید و نبایدی که در محدوده ارتباط انسان با خدا مطرح می شود، مربوط به دین است و علم با آن تعارضی ندارد، اما اگر بایدها و نبایدها مربوط به زندگی اجتماعی باشد، دین نباید دخالت کند. به عنوان مثال گفتند: مجازات هایی که در دین برای مجرمان در نظر گرفته شده است، قابل قبول نیست؛ چون مجازات با کرامت انسانی سازگار نیست. هر مجرمی بیمار است و بیمار را باید مداوا کرد، نه مجازات.

۲- انگیزه های مغرضانه

کسانی که دین را سد راه رسیدن به مطامع و منافع خود می دیدند در ترویج سکولاریسم مؤثر بود. از جمله گردانندگان حکومت ها که برای دستیابی هر چه بیشتر به منافع شخصی خود، نغمه جدایی دین از سیاست را سر می دادند. بعضی از دانشمندان که دین را در تعارض با یافته های علمی خود می پنداشتند نیز با آن ها هم نوا شده، در نتیجه، اندیشه سکولاریسم تقویت شد.

رساندند، جریان غدیر و سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کلی فراموش شد، در اینجا نص رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد خلافت را نپذیرفته با استناد به رأی مردم و شوری در حقیقت به نحوی دین را از سیاست و حکومت جدا کردند، خلافت از مسیر اصلی خود منحرف گشت، بین قرآن و عترت جدایی انداختند و در نتیجه بذر اصلی جدایی دین از سیاست کاشته شد. دستگاه خلافت و حکومت گرچه نام خدا و پیامبر را یدک می کشید، اما به لحاظ محتوا هرچه جلوتر می رفت انحراف از اسلام اصیل بیشتر می شود، تا آنجا که در دوره اموی علوم و معارف دینی بابتی مهری مواجه گشته و با آن مبارزه گشت.

عادات و آداب جاهلی، به عنوان فرهنگ جایگزین، مورد ترغیب، تشویق و ترویج قرار گرفت. در نتیجه، سیاست عملاً از دیانت جدا گردید و کسانی که حاصل مواریت و ارزش های اسلامی بودند، از سیاست

سیاست، حقوق و حکومت.^۱

نمودهائی از سکولاریسم در تاریخ

مسلمین

برای پیدایش تفکر سکولاریسم در بین مسلمین عوامل متعددی را می توان برشمرد:

۱- جریان سقیفه بنی ساعده و انحراف

مسیر خلافت و حکومت از جایگاه اصلی خود پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جریان ها و حوادثی در تاریخ اسلام اتفاق افتاد که زمینه ساز پذیرش جدایی دین از سیاست گردید. مهم ترین رخداد پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله در واقع منشأ و سرسلسله جناب تمام حوادث تلخ تاریخ اسلام گشت، جریان دردآور سقیفه بود که بنای انحراف، انحطاط و اختلاف بین مسلمین را نهاد و در پی این جریان ضربات مهلکی بر پیکره اسلام وارد شد. از آن جا که عده ای روایات پیامبر صلی الله علیه و آله را مخالف با پایداری حکومت خویش می دیدند دستور جمع آوری و سوزاندن احادیث پیامبر را صادر کرده و نقل هر گونه حدیث از پیامبر را ممنوع اعلان کردند، تحریف و جعل حدیث را به اوج خود

۱- استاد مصباح یزدی، پرسش ها و پاسخ ها، ص ۶۸ و ۶۹.

دور ماندند و کسانی رهبری و زعامت جامعه اسلامی و مسلمین را عهده دار شدند که با روح معنویت اسلام بیگانه بودند و تنها به تشریفات ظاهری بسنده می‌کردند.

استاد شهید مطهری رحمته‌الله معتقدند که بزرگترین ضربه وقتی بر پیکر اسلام وارد شد که سیاست از دیانت منفک گشت. بنا به گفته استاد، نسبت دیانت و سیاست با یکدیگر نسبت روح و بدن است. روح، بدن، مغز و پوست باید به یکدیگر پیوندند. فلسفه وجودی پوست حفاظت از مغز است و خود پوست از مغز نیرو می‌گیرد. اهتمام اسلام به امر سیاست و حکومت و جهاد و جعل قوانین برای حفظ موازیت معنوی؛ یعنی، توحید و معارف روحی و اخلاقی و عدالت اجتماعی و مساوات و عواطف انسانی است. ائمه علیهم‌السلام در طول حیات خود موازیت معنوی اسلام را حفظ کردند و با برخورد خود، حساب دستگاه خلافت را از اسلام جدا کردند.^۱

۲- سقوط امپراتوری عثمانی و ظهور

تفکر لائیسزم

حکومت ترک‌های عثمانی در

طول شش قرن به نام خلافت اسلامی، تصویری از تلفیق ظاهری دین و حکومت بود که بر بیشتر کشورهای اسلامی اعم از عرب و غیر عرب حکمرانی می‌کرد.

اما شکست حکومت عثمانی در جنگ جهانی اول و تزلزل پایه‌های آن، فرصت مناسبی برای طرفداران عرفی‌سازی دین (جدایی دین از سیاست) بود. آن‌ها به رهبری مصطفی کمال و با استفاده از فرصت به دست آمده، تلاش وسیعی را برای برچیدن حکومت عثمانی آغاز نمودند. شعار اصلی آن‌ها جدایی خلافت از حکومت بود. آنان چنین وانمود می‌کردند که این کار باعث اعتبار و احترام بیشتر خلافت و شخص خلیفه در چشم مسلمانان است و معتقد بودند که از جانب خداوند دستور خاصی درباره حکومت دین وارد نشده است.

مصطفی کمال درست پیش از الغای خلافت، چنین اظهار داشت:

«پیامبر ما به اصحاب خویش

۱- ر،ک: فلسفه سیاست، ص ۷۱-۷۲.

به ریاست محمد علی پاشا در مصر تشکیل شد، این حکومت سرآغاز پیاده کردن اندیشه‌های سکولاریسم در جهان عرب به حساب می‌آید. بیشتر فرمان‌های وی از جمله قانون احوال شخصی و قانون‌های مدنی مطابق قوانین غربی صادر می‌شد. کشورهای دیگر عربی مانند عراق، سوریه و لیبی نیز از مصر متأثر شدند. از طرف دیگر، مبلغان مسیحی با ایجاد مراکز خیریه و تعلیم و تربیت، نقش مهمی را در اشاعه اندیشه سکولاریسم ایفا نمودند.

مستشرقین با مطالعه فرهنگ جوامع و از طریق باستان‌شناسی و انتقال آثار و کتب علمی، ضربات مهلکی را بر جوامع اسلامی وارد ساختند. آنان ضمن شناسایی نقاط قوت و ضعف جوامع اسلامی، راه‌های نفوذ این جوامع را به استعمارگران

فرمود: ملل عالم را به دین اسلام در آورید، به آنان نفرموده است در صدد حکومت بر این ملت برآیند.»

او با مساعدت همفکران خودش و دولت‌های غربی، توانست آخرین خلیفه عثمانی (عبدالمجید) را در سال (۱۹۲۳م) سرنگون کرده و حکومت سکولار و لائیک را سامان بخشد و بدین ترتیب، به آتاتورک لقب گرفت. وی در اولین قدم مدارس دینی را تعطیل و قوانین فقه اسلامی را لغو و قوانین غربی را جایگزین آن نمود. بدین ترتیب اندیشه سکولاریستی و لائیسیتی خود را به مرحله اجرا گذاشت.^۱

۳- نفوذ فرهنگ غرب در جهان اسلام

فرهنگ غرب پس از شکل‌گیری و همراه با سیطره اقتصادی و زرق و برق مادیش مشرق زمین را مورد هجوم خود قرار داد. برخی معتقدند با هجوم ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ م و جنگ‌های ایران و روس و تسلط فرانسه بر تمام الجزایر در سال ۱۸۵۷ م، نخستین اندیشه‌های سکولاریسم به جهان اسلام نفوذ کرد. پس از اشغال نظامی مصر از سوی ناپلئون، حکومتی

۱- ر،ک: حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، (تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ه.ش.) ص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ در این کتاب جریان سقوط دولت عثمانی و روی کار آمدن مصطفی کمال و ظهور سکولاریسم به طور مفصل بحث شده است، ص ۹۹-۱۹۶.

آموختند.

ادیان ساختگی، اقلیت‌های مذهبی و تشکیل احزاب، انجمن‌ها (از جمله فرماسونری) از دیگر راه‌های نفوذ فرهنگ غرب می‌باشند. در کشورهای عربی، اقلیت‌های مسیحی از پیشگامان پذیرش و تبلیغ سکولاریسم به شمار می‌روند.^۱

۴- روشنفکران غربزده و دگراندیش

از جمله عوامل مؤثر در ترویج و گسترش سکولاریسم در جهان اسلام، تلاش مذبح‌خانه فریب خوردگان و روشنفکران مرتجع و دگراندیش است. این نوع روشنفکران یا به علت نداشتن تخصص لازم و شناخت کافی از مبانی اسلام و یا از روی لجاجت و برای کسب نام و... پیوسته تفسیر نادرستی از اسلام ارائه می‌نمودند.

از جمله پایه‌گذاران این اندیشه در جهان اسلام، مصطفی کمال از ترکیه، علی عبدالرزاق از مصر و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و میرزا فتحعلی آخوند زاده از ایران هستند.

می‌توان گفت اولین رساله‌ای که به طور صریح و رسمی از ایده سکولاریزم در جهان اسلام دفاع و

حمایت کرده است، رساله‌ای به نام «الخلافة و سلطنة الامة» است که در سال ۱۹۲۲ به وسیله مجلس ملی ترکیه تدوین و منتشر شد.^۲

بعد از سه سال از نشر آن (در سال ۱۹۲۵ م)، علی عبدالرزاق کتابی به نام «الاسلام و اصول الحکم» در دفاع از سکولاریسم و پاسخ به کتاب رشید رضا به نام «الخلافة او الامة العظمی» منتشر کرد که مورد مخالفت و تکفیر علمای مصر قرار گرفت.^۳

وی در این کتاب مدعی شده است که در قرآن حتی شبهه دلیلی هم بر وجوب اقامه دولت و تصدی سیاسی دیده نمی‌شود؛ تنها چیزی که در شریعت اسلام واجب و ثابت است؛ این است که احکام خدا باید اجرا شود. اما هنگامی که امت بر اجرای احکام الهی توافق نمودند، نیازی به نصب امام

۱- ر.ک. علامه محمد مهدی شمس الدین، حکومت منهای دین (ترجمه کتاب علمانیت)، ترجمه حسن شمس گیلانی (۱۳۶۳ ه.ش)، ص ۷۴-۸۵ و فلسفه سیاست، ص ۷۲-۷۴.

۲- ر.ک. نوتل باربر، فرمانروایان شاخ زرین، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، ص ۲۶۹؛ نامه فرهنگ، شماره ۱، ص ۸۲-۸۳.

۳- ر.ک. سکولاریزم در مسیحیت و اسلام، ص ۱۱۹.

بیش از پیش تمدن غرب و تأثیر آن بر فرهنگ ایرانیان بود به طوری که برخی وصلت‌های خانوادگی میان ایرانیان و اروپائیان حاصل گردید و این خود باعث انتشار آثار تمدن اروپا در ایران می‌شد.

اعزام نخستین دانشجوی ایرانی به اروپا در زمان شاه عباس دوم صفوی انجام شد. اما این نخستین اعزام اغلب به جای خود آگاهی، به شیفتگی نسبت به آزادی‌های جنسی و فساد حاصل از رنسانس اروپا تبدیل شد.^۲

شدت غرب‌زدگی در دوره قاجار

در دوران قاجار آشنائی ایرانیان با تمدن غرب فزونی یافت. مسافران ایرانی در این دوره از تحولات موجود در ممالک اروپایی سخن می‌گفتند و در این باره کتاب‌هایی نوشتند، از جمله:

۱- عبداللطیف شوشتری از

۱- «لوکان فی الکتاب الکریم ما یشبه ان یکون دلیلاً علی وجوب الامامة لوجد من انصار الخلافة المتکلفین...» علی عبدالرزاق، الاسلام و اصول الحکم، (بیروت: مکتبة الحیاة، ۱۹۷۸م) ص ۳۹.

۲- رک: عبدالهسادی حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، ص ۱۷۹-۱۸۱.

یا خلیفه و یا هر کس دیگری که شوون سیاست و حکومت را به عهده گیرد؛ نخواهد بود!!^۱

سکولاریسم در ایران

ریشه‌ها و روند نفوذ تفکر سکولاریسم در ایران را می‌توان در سه مرحله مطرح کرد.

۱- پیدایش سکولاریسم در ایران

نفوذ تفکر سکولاریستی - ولو به صورت خیلی ابتدائی و کم رنگ - در ایران، به اواخر عصر صفویه و شروع عصر قاجار باز می‌گردد.

تقلید از هنر اولین راه نفوذ تمدن غرب در ایران است که در دوران صفوی صورت گرفت. شاهان صفوی پیوسته از شاهان اروپایی تقاضای اعزام صنعت‌گران ماهر، تجار و استادانی برای تدریس علوم ریاضی و نجوم می‌کردند. حضور این صنعت‌گران و سفیران و گردش‌گران و تجار و استادان فرنگی، منشأ رواج آداب و عادات فرنگی در ایران شد. شاهان به آثار هنری و صنعتی غرب جهت تزیین زندگی دنیوی خود عشق می‌ورزیدند.

اعمال و رفتار شاهان سبب نفوذ

را و ادار کرد تا اعزام دانشجو به فرنگ را از سر بگیرد و بالأخره اعزام دانشجو به خارج مجدداً آغاز گشت. از مهمترین دانشجویان اعزامی می‌توان میرزا صالح شیرازی و حسینعلی آقا را نام برد. میرزا صالح که زیر نظر ابوالحسن خان ایلچی بود مانند او در لژهای فراماسونری عضو گردید و تا پایان عمر در خدمت انگلیسی‌ها بود. حسینعلی آقاگر چه اهمیت میرزا صالح را ندارد، اما اندیشه‌ای که او طرح می‌کرد اساس ناسیونالیسم مشروطه را پی افکنده است.

به هر حال محصلان پس از بازگشت از فرنگ، فرهنگ اسلامی و ملی را تحقیر می‌کردند و آداب و فرهنگ و اندیشه‌های غربی را الگوی زندگی و علمی خویش قرار می‌دادند. زمزمه‌های جدایی دین از سیاست، آرام آرام از افرادی چون میرزا ابوالحسن خان ایلچی شیرازی،

علمای ایرانی ساکن هند، کتابی به نام «تحفة العالم» نوشته و در این کتاب از نهادهای جدید از جمله آزادی سیاسی، پیدائی علم جدید، اصلاح دین، محدودیت قدرت پاپ‌ها و کشیشان و تأسیس مجالس مقننه و استقرار دموکراسی سخن گفته است.^۱

۲- میرزا ابوالحسن خان ایلچی از دربار فتحعلی شاه، علاوه بر حیرت در برابر مدنیت غرب، در مسلک فراماسون‌ها و حقوق‌بگیران انگلیسی در آمد و به مشی لیبرال‌ها زندگی می‌کرد. وی مدت یک سال و نیم در انگلستان به سر برد و طرح بسیاری از تأسیسات تمدن جدید را داد، آزادی و روابط جنسی نامحدود زن و مرد برای ایلچی بسیار جالب توجه بود، و خود نیز در مدت اقامت در انگلستان علاوه بر ورود در حلقه سرسپردگان استعمار انگلیس، جز به عشق بازی و خوشگذرانی و جاسوسی نپرداخت.^۲

۳- در جنگ ایران و روسیه، پس از شکست ایران و نیاز فوق العاده ایرانیان به تکنولوژی، فرهنگ غرب بیش از پیش وارد جامعه ایران شد. علاقه عباس میرزا به برتری نظامی، او

۱- ر، ک: عبداللطیف شوشتری، تحفة العالم، به کوشش صمد موحد، (تهران: طهوری ۱۳۶۳ هـ)، ص ۲۸.

۲- ر، ک: ابوالحسن ایلچی، حیرت السفرا، ص ۲۱۰.

حسینعلی آقا، میرزا محمد صالح شیرازی و امثال این‌ها به گوش می‌رسید.

۴- گروه دیگر از روشنفکرانی که به طور صریح برای سکولار کردن جامعه و جریان لیبرال‌سیم سیاسی - اجتماعی و تحولات فرهنگی، مؤثر بودند عبارتند از: میرزا ملکم خان ناظم الدوله، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا عبدالرحیم طالبوف و میرزا آقا خان کرمانی. این‌ها از مؤسسين و وابستگان اصلی فراماسونری و مبلغان و مروجان افکار غرب در ایران بودند. ریشه تفکر فراماسونری بر سه اصل اساسی قرار دارد:

الف - بشرگرایی یا اصالت بشر (اومانيسم) که از فروع آن آزادی و برابری است.

ب - عدم اعتقاد واقعی به مذهب. آن‌ها به خداپرستی بدون اعتقاد به وحی و شریعت (دئیسم) مشهور بودند. دئیست‌ها روشنفکرانی بودند که به شریعت و وحی آسمانی ایمان نداشتند. فراماسون‌ها در پذیرش هر نوع مذهبی بدون اعتقاد به شریعت و وحی آسمانی آزاد بودند، ولی در

لژهای فراماسونری مجاز به بحث دینی نبودند.

ج - بسی وطنی یا جهان وطنی (کاسمو پلیتیسم) از عقاید بارز فراماسون‌ها بود، بدین معنی که فراماسون به هیچ جایی تعلق ندارد، بلکه فردی متعلق به جهان و ارزش‌های غربی بود که در حقیقت جهان را باید زیر پرچم امپراطوری انگلستان در آن زمان می‌دانست.^۱

چنان که قبلاً گذشت، از جمله اصول اساسی تفکر سکولاریسم، اومانيسم و اباحیگری (آزادی مطلق) و به عبارتی لیبراليسم است؛ عین همان چیزی که در اصول تفکر فراماسونری وجود دارد، لذا کسانی که از اعضای فراماسونری بودند به یک نظر، تفکر سکولاریستی نیز داشتند.

- ملکم خان را می‌توان پدر

۱- برای مطالعه بیشتر درباره فراماسونری به کتاب‌های زیر مراجعه شود:

الف - کتاب فراموشخانه و فراماسونری در ایران، اسماعیل رائین.

ب - فراماسون در انقلاب فرانسه، نجفقلی معزی.

ج - تاریخ روابط ایران و انگلیس، محمود محمود.

د - فراماسونری در ایران، محمود کتیرایی.

از یکدیگر جدا باشد (جدایی دین از سیاست)، اما هیچ گاه علناً فرهنگ جدید را معارض با اسلام معرفی نکرد، بلکه بیشتر سعی می‌کرد در لفافه سخن، از آموزه جدایی دین از سیاست دفاع کند.

- میرزا فتحعلی آخوندزاده از دوستان و همفکران بسیار نزدیک ملکم خان بوده است. او یک سکولاریست تمام عیار بود، و از منتقدان سرسخت فرهنگ اسلامی به شمار می‌رفت. درباره او می‌نویسند: وی یک سکولاریست مصمم و یک هواخواه جدی تمدن غرب بود. او هواخواه تشکیل فراماسونری در ایران بود و این کار را از لوازم آزادی و آزادیخواهی می‌دانست.^۱

وی از روشنفکران ضد فرهنگ اسلامی محسوب می‌شود به حدی که به مستشار الدوله نویسنده کتاب «یک کلمه» اعتراض کرده است که چرا نابرابری‌های

روشنفکری در ایران و از فعالان اولیه تحقق ارزش‌ها و تفکرات غربی در ایران به شمار آورد. وی لامذهبی بود در لباس مذهب، گاه خود را ارمنی و گاهی مسلمان می‌خواند، تربیت شده فرنگ بود، نخستین کسی بود که انجمنی همانند فراماسونری فرنگستان به نام فراموشخانه برپا کرد.

غرب زدگی عملی ملکم، با صفات مذموم اخلاقی او همراه شده بود، وی با عناوین بی‌ایمان، بی‌وطن، طماع، جاه طلب، پول پرست، حقه باز، کلاه بردار و متقلب و... معروف است.^۱

تبلیغ برای به دست آوردن تمدن غرب، آموزش و پرورش عرفی و غیرروحانی، بی‌ارزش خواندن زندگی کهنه در جهان نو، اومانیسیم، دادن آزادی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به سبک غربی و ضرورت بسط و توسعه علوم و معارف جدید، از عمده‌ترین اصول لیبرالیسم سیاسی و اجتماعی و اندیشه سکولاریستی ملکم خان بوده است. به عقیده او علما و مجتهدان بایستی پیرو وزارت علوم باشند، آموزش غیر روحانی و روحانی

۱- احمد خان ملک ساسانی، سیاست‌گران دوره قاجار، (تهران: انتشارات طهوری، ۱۳۴۶ ه.ش) ج ۱، ص ۱۴۴؛ محمد قزوینی، یادداشت‌های ایرج افشار، (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۳ ه.ش)، ج ۷، ص ۱۳۲ و ۱۳۶.

۲- عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، ص ۲۷.

خارج و بازگشت آن‌ها با تفکر تمام عیار غربی و غرب‌زدگی، در هر مقطع، بخشی از فرهنگ غرب در جامعه ایران خودنمایی کرد. تبلیغ غرب‌گرایی و فراماسونری و توجه به آموزه‌های غربی مانند دین ستیزی، به شکل‌گیری سکولاریسم در ایران کمک کرد.

۲- دوران حاکمیت سکولاریسم در ایران

«نهضت مشروطیت حرکتی از جانب مسلمانان با رهبری عالمان دینی و در جهت مقابله با استبداد و اجرای احکام شریعت بود. مشروطه را می‌بایست قانون تلاقی سه جریان استبداد، اندیشه اسلامی و سکولار دانست که منتهی به حاکمیت غرب‌زدگان بر جامعه گشت و در نهایت با کودتای رضاخان و کمک انگلیسی‌ها منجر به حاکمیت کامل سکولاریسم در ایران شد.

در این راستا بنیان سکولاریسم، از سویی به مبارزه با اسلام پرداختند و از سوی دیگر تلاش کردند که با احیای تاریخ

۱- همان، ص ۲۹.

۲- رک: محمد مددپور، تجدد و دین‌زدایی، (تهران: دانشگاه شاهد، دوم، ۱۳۷۳ ه.ش) ص ۱۴۹. این کتاب در ص ۱۶۰-۸۱ به طور مفصل درباره روند منور الفکری در ایران بحث کرده است و این مقدار اقتباس از آن است.

میان زن و مرد و مسلمان و غیر مسلمان در فقه اسلامی را نادیده گرفته و اسلام را با دموکراسی جمع کرده است!؟

همچنین به اعتقاد او قانون مجازات اسلامی با روح یک نظام دموکراسی غربی منافات دارد!!

انتقادات گوناگون او از پیامبر ﷺ و

اسلام، با ناسیونالیسم بسیار شدید و تعصب نسبت به ایرانیت و آیین زرتشتی که به آیین ایرانی شهره است همراه بوده است.^۱

- میرزا عبدالرحیم طابوف از دیگر روشنفکران سکولاریستی بود که سیاست را از دیانت جدا می‌دانست و مانند مستشار الدوله و ملکم‌خان به حمایت از دین اسلام تظاهر می‌کرد، اما به جهت همان غرب‌زدگی آشکار، کتاب هایش از سوی شیخ فضل الله نوری رحمته الله علیه تحریم گشت و خود طابوف تکفیر شد.^۲

خلاصه سخن این که: همان طور که اشاره شد، شکل‌گیری سکولاریسم در ایران به اواخر دوران صفویه و از زمان نفوذ فرهنگ غرب در ایران و اوائل عمر قاجار باز می‌گردد. با شکست ایران از روسیه و نیاز بیشتر ایران برای به دست آوردن تکنولوژی و صنعت و اعزام دانشجویان به

معلول برخوردار تفکر اسلامی و سکولاریسم بود، که نتیجه آن غلبه تفکر دینی و عقب نشینی و انفعال سکولاریسم بود. پس از انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی مدتی قلم بدستان سکولار انزوا برگزیدند اما پس از پایان یافتن جنگ و به وجود آمدن فضای مناسب سیاسی مخصوصاً در چند سال اخیر، با ترفندها و شیوه‌های نو و حساب شده مجدداً به میدان آمدند و از طریق مطبوعات، مصاحبه و نشر کتب، در جهت معارضة بادین و حکومت برخاستند. هدف اصلی آن‌ها تضعیف ولایت فقیه و در نهایت ناکارآمد جلوه دادن حاکمیت دین بوده و پیوسته سعی داشته‌اند دین را از سیاست جدا دانسته، تفکر قرون وسطائی را مجدداً احیا کنند.

در بخش بعدی این مقاله به موضوع سکولاریزم و اسلام پرداخته و بطلان سکولاریزم از دیدگاه اسلام را تبیین خواهیم کرد.
ادامه دارد

قبل از اسلام، اخذ ظواهر فرهنگ غرب و شاه محوری، ایدئولوژی جدیدی را بنیان نهند. شاخص‌های مهم سکولاریسم در این برهه از زمان عبارتند از:

الف) اسلام ستیزی و تجددگرایی و انزوی اسلام و روحانیت از طریق ایجاد تشکیک در مبانی دینی، حمایت از جریان‌ات انحرافی، مبارزه با نفوذ رهبران دینی، تلاش در جهت گسترش فساد، فحشاء، و تبلیغ و اشاعه فرهنگ غرب در جامعه

ب) حاکمیت نظام آموزشی بر مبنای سکولاریسم و برآمده از غرب

ج) تدوین و اجرای نظام قضایی نوین! بر مبنای حقوق بشر غربی

د) ایجاد فرهنگستان و تلاش در جهت تغییر الفبا

ه) کشف حجاب و متحدالشکل کردن لباس‌ها.^۱

۳- دوران افول سکولاریسم در ایران

پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت دینی را بایستی نقطه شروع افول سکولاریسم برشمرد. زیرا انقلاب اسلامی بر پایه دین و به رهبری فقیه جامع الشرائط و با مشارکت مردم مسلمان تحقق یافت. انقلاب اسلامی

۱- فلسفه سیاست، ص ۷۵-۷۶.